

## حکمت

رسول اکرم (ص):  
نهج الفصاحه، ج ۱۴۷

إذا أراد... بأهلي تبيت خيرا فقمهم في الدين ووقر صغيرهم كبريهم وزرقهم الرفق في معيشتهم والقصد في نفقاتهم و بصرهم غيوتهم فيتوبوا منها؛

هرگاه خداوند برای خانواده‌ای خیر بخواهد، آنان را در دین دانا می‌کند، کوچک‌ترها، بزرگ‌ترهایشان را احترام می‌نماید، مدارا در زندگی و میانه‌روی در خرج روزی‌شان می‌نماید و به عیوب‌شان آگاه‌شان می‌سازد تا آنها را برطرف کنند.

## دریچه

## جشنی وارداتی که با فرهنگ ما همخوانی ندارد

## قلب‌هایی که برای ما نمی‌تپد!

هر چیزی برای خودش هویت و ریشه‌هایی دارد. جشن‌ها و مراسم‌ها هم برای خودشان هویت دارند و از یک پس‌زمینه فکری و فرهنگی تغذیه می‌شوند و به دنبال رواج یک فرهنگ، عقیده و سبک زندگی خاص هستند. در این بین برخی جشن‌ها و مراسم‌ها ریشه‌های عمیق ملی و مذهبی دارند؛ جشن‌هایی همچون اعیاد فطر، قربان و غدیر با ریشه‌های مذهبی یا جشن عید نوروز که ریشه‌ای ملی دارد و فلسفه‌های فراوانی در ورای آن وجود دارد. بعضی جشن‌ها و مراسم‌ها اما نه ریشه‌های ملی دارد و نه مذهبی بلکه ریشه‌هایش نگاه تجاری و بازاری است و در پیوسته‌های فرهنگی آن به تلاش برای تغییر فرهنگ، نگاه و سبک زندگی دیگر جوامع برمی‌خوریم. جشن‌ها و مراسم‌هایی همچون ولنتاین!

هرساله در ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) روز ولنتاین جشن گرفته می‌شود. افسانه‌های متعددی درباره ولنتاین وجود دارد؛ یکی از این افسانه‌ها که دهان به دهان چرخیده، این است که امپراتوری روم ازدواج را برای مردان و زنان قدغن کرده بود. کشیش والنتین (valentine) به صورت مخفیانه عشاق را به عقد هم درمی‌آورد و گل سرخ به آنها هدیه می‌داد.

امپراتور روم متوجه این موضوع شده و والنتین را در زندان حبس کرد. در زندان، والنتین عاشق دختر نابینای زندانبان شد و با عشق والنتین و دختر نابینا، بینایی دختر برگشت. در ۱۴ فوریه، والنتین را اعدام کردند و این روز به عنوان سمبل عشق جشن گرفته می‌شود اما اگر کمی دقیق‌تر به تجارتی که در حاشیه این روز رخ می‌دهد نگاه کنید، متوجه خواهید شد حکایت روز عشق و در واقع حکایت روزی که یک نفر به خاطر عشقش کشته شده بیشتر از آن‌که بهانه‌ای برای ابراز عشق و محبت باشد، بهانه‌ای است برای فروش انواع و اقسام کالاها و وارداتی ولنتاین! از شکلات‌های قلبی‌شکل گرفته تا بادکنک و آبنبات و عروسک‌های قرمز رنگی که حوالی این روز بازار کادو فروشی و اسباب بازی فروشی‌های کشور را در قبضه می‌گیرد. روزی که بیشتر از آن‌که بهانه‌ای برای عشق ورزیدن باشد، بهانه‌ای است برای شکستن تابوها و ترویج روابط آزاد!

روز ولنتاین در حالی وارد فرهنگ مردم کشور ما شده که ما در فرهنگ غنی ملی و مذهبی خودمان بهانه‌های متعددی برای عشق ورزیدن داریم؛ روزهایی مثل روز ازدواج حضرت محمد (ص) و حضرت خدیجه (س) یا روز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س). همچنان که در کشور ترکیه و در استانبول به عنوان بخش اروپایی این کشور و با وجود آن‌که دولت ترکیه، ساختاری اسلامی ندارد اما در آنجا روز میلاد حضرت محمد (ص) روز عشق و روزی همسراست. در نهایت نباید فراموش کنیم که مطابق تعالیم نورانی اسلام، هر روز، هر ساعت و هر لحظه باید به یکدیگر عشق بورزیم و مهربانی در یک روز خلاصه نمی‌شود.



## بازخوانی بخشی از تاریخ دفاع مقدس به قلم معصومه آباد

## من زنده‌ام؛ روایتی زنانه از دوران اسارت

کودکی و نوجوانی شاید حجم کتاب را افزوده باشد، اما این قدر هست که مخاطب با شخصیت نویسنده خوب آشنا می‌شود. هرچه باشد او یک نیروی مردمی داوطلب بوده است و برای او خانه و کودکی اش اهمیت مضاعفی دارد.

رهبر معظم انقلاب نیز به کتاب من زنده‌ام اشاره کردند و فرمودند: «بند این کتاب را در دو روز خواندم» به هر حال من زنده‌ام حتما یکی از کتاب‌ها مهم تاریخ دفاع مقدس ماست چراکه بخشی را روایت می‌کند که شاید حتی تصورش هم ممکن نباشد، چه رسد به تحمل چهار ساله‌اش، همچنین رهبر معظم انقلاب در تقریظ‌شان بر آن نوشتند: «کتاب را با احساس دوگانه اندوه و افتخار و گاه از پشت پرده اشک، خواندم... این نیز از نوشته‌هایی است که ترجمه‌اش لازم است...»

آباد در صفحه پایانی کتاب من زنده‌ام می‌نویسد: «همان قدر که در آغاز اسارت غافلگیر شده بودم که چگونه در خاک میهنم، در شهر خردم، جلوی چشم همه برادرانم نیروهای بعضی از زیر لوله‌های نفت مثل قارچ سر بلند کردند و مرا به اسارت بردند، آزادی هم مثل یک فرود اضطراری سخت مرا غافلگیر کرده بود. یکباره نیروهای بعضی از دور و برم محو شده بودند. همه جا لبخند شده بود و همه فارسی حرف می‌زدند. کسی با قنداق تفنگ به شانه‌هایم نمی‌کوبید و اگر سرم را می‌چرخاندم، هیچ ضربه‌ای سرم به را جابه‌جا نمی‌کرد. همه حرکاتم در اختیار خود بود. از این‌که توانسته بودم بارنج چهار ساله اسارت‌م یک پر عقاب را بکنم، خوشحال بودم و با صدای بلند فریاد زدم: سلام ایران سرافراز من!»



سی و چند روز بیشتر از حمله رژیم بعث به ایران نگذشته بود که چهار نفر از دختران امام خمینی در دست نامرحمان اسیر شدند. بنات‌الخمینی، عنوانی بود که سربازان صدام به چهار بانوی امدادگر ایرانی داده بودند. بعضی‌ها اول که ماشین‌شان را محاصره می‌کنند، خوشحالی و پاکبویی کرده و پشت بی‌سیم به فرماندهان‌شان اعلام می‌کنند دختران خمینی را گرفتیم. بعدتر، برخی دیگر از افسران بازجو به این بانوان غیرنظامی می‌گویند از نظر ما شما ژنرال‌های ایرانی هستید.

کتاب «من زنده‌ام» نوشته معصومه آباد، یکی از اسرای ایرانی در جنگ عراق علیه ایران است که در حوزه اسارت به نگارش درآمده تا پاسخگوی بسیاری از سؤالات بدون پاسخ در حوزه اسارت بانوان ایرانی در زندان‌های رژیم بعثی در دوران هشت سال دفاع مقدس باشد.

این کتاب در سیزدهمین دوره جایزه کتاب سال دفاع مقدس به عنوان اثر برگزیده در بخش خاطرات دیگر نوشت انتخاب شد. عنوان کتاب که روی جلد چاپ شده، دستخط معصومه آباد است. آن روز که برای فرار از بی‌خبری مفقودالاثری برای خانواده‌اش یا هر کسی که می‌توانست فارسی بخواند نوشته بود: من زنده‌ام. معصومه آباد.

معصومه آباد در خانواده‌ای مذهبی و پرجمعیت در آبادان متولد می‌شود. احمد، علی، رحمان، محمد، کریم، رحیم، سلمان، حمید و فاطمه خواهر و برادران او هستند. پدر که علاقه خاصی به معصومه دارد او را دختر تو جیبی بابا خطاب می‌کند. آباد از کودکی خود و دوره‌ای شروع به نوشتن می‌کند که اولین تصاویر و خاطرات را در ذهن دارد. دو فصل ابتدایی

## اسلام پیشگام نهضت آزادی زن

هیچ شکی نیست که پیشگام در آزاد ساختن زن از قید اسارت و تامین استقلال او، در اراده و عمل اسلام بوده است. و اگر غربی‌ها (در دوران اخیر) قدمی در این باره برای زنان برداشته‌اند، از اسلام تقلید کرده‌اند (و چه تقلید بدی کرده و با آن روبه‌رو شده‌اند) و علت این‌که نتوانستند به طور کامل تقلید کنند، این است که احکام اسلام چون حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوسته است (و همچون چشم و خط و خال و ابرو است) و روش اسلام که در این سلسله حلقه‌ای بارز و مؤثری تام‌التأثیر است، برای همین مؤثر است که در آن سلسله قرار دارد، و تقلیدی که غربی‌ها در خصوص این روش کرده‌اند، تنها از صورت زلیخای اسلام نقطه خال را گرفته‌اند که معلوم است حال به تنهایی چقدر زشت و بدقواره است. و سخن کوتاه این‌که، غربی‌ها اساس روش خود را برپایه مساوات همه‌جانبه زن با مرد در حقوق قرار داده‌اند، سال‌ها در این باره کوشش نموده و در این باره وضع خلقت زن و تاخر کمالی او را (که بیان آن به‌طور اجمال گذشت) در نظر نگرفته‌اند. و رأی عمومی آنان تقریباً این است که تاخر زن در کمال و فضیلت، مستند به خلقت او نیست، بلکه مستند

به سوء تربیتی است که قرن‌ها با آن تربیت مربی شده و از آغاز خلقت دنیا تاکنون، در محدودیت مصنوعی به سر برده است، وگرنه طبیعت و خلقت زن با مرد فرقی ندارد.

ایراد و اشکال متوجه این سخن آن است که همان‌طور که خود غربی‌ها اعتراف کرده‌اند، اجتماع از قدیم‌ترین روز شکل گرفتنتش به‌طور اجمال و سر بسته حکم به تاخر کمال زن از مرد کرده و اگر طبیعت زن و مرد یک نوع بود، قطعاً و قهراً خلاف آن حکم هرچند در زمانی کوتاه ظاهر می‌شد و نیز خلقت اعضای رئیس و غیررئیس زن در طول تاریخ تغییر وضع می‌داد و مانند خلقت مرد می‌شد.

مؤید این سخن روش خود غربی‌ها است که با این‌که سال‌ها است کوشیده و نهایت درجه عنایت خود را به کار برده‌اند تا زن را از عقب‌ماندگی نجات بخشیده و تقدم و ارتقای او را فراهم کنند، تاکنون نتوانسته‌اند بین زن و مرد تساوی برقرار سازند و پیوسته آمارگیری‌های جهان این نتیجه را ارائه می‌دهد که در این کشورها در مشاغل که اسلام زن را از آن محروم کرده، یعنی قضا و ولایت و جنگ، اکثریت و تقدم برای مردان بوده و همواره عده‌ای کمتر از زنان عهده‌دار این‌گونه مشاغل شده‌اند.